

اثربخشی مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت‌های اجتماعی کودکان

با مشکلات رفتاری برونی شده

سارا نجاتی فر^۱، احمد عابدی^۲، امیر قمرانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

(نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره پنجم، شماره پنجاه و دوم، بهمن‌ماه ۱۳۹۹، صفحات ۲۷-۳۸

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی اثربخشی مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده انجام شد. طرح این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش شامل کلیه کودکان ۷-۱۰ سال با مشکلات رفتاری برونی شده شهر اصفهان بود. نمونه مورد استفاده در این پژوهش شامل ۳۰ دانش‌آموز با مشکلات رفتاری برونی شده بود که به صورت روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان به دو گروه (آزمایش و کنترل) تقسیم شدند. گروه آزمایش طی ۶ جلسه در مداخله شرکت کردند. ابزارهای این پژوهش شامل فهرست رفتاری کودکان و پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون بود. میانگین پس‌آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش با یکدیگر تفاوت معنی‌داری داشت ($p < 0.05$) که این امر حاکی از تأثیر مثبت مداخله والدمحور می‌باشد. این مطالعه نقش و اهمیت دیدگاه فراهیجانی والدین را روشن ساخت و نشان داد که مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی باعث بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده می‌شود.

کلیدواژه: مداخله والدمحور، فلسفه فراهیجانی، کودکان، مشکلات رفتاری برونی شده.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره پنجم، شماره پنجاه و دوم، بهمن‌ماه ۱۳۹۹

مقدمه

یکی از مشهورترین تقسیم‌بندی‌های مربوط به اختلال‌های رفتاری کودکان، تقسیم‌بندی آخنباخ و رسکورلا^۱ (۲۰۰۱) است که بر پایه بیش از سی سال پژوهش، اختلال‌ها را به دودسته کلی درونی شده^۲ و برونی شده^۳ تقسیم می‌کند. اختلال‌های درونی شده بیشتر درون فردی و شامل مشکلاتی همچون کناره‌گیری از تعامل‌های اجتماعی، بازداری، اضطراب و افسردگی است. در مقابل، اختلال‌های برونی شده برون فردی است و به صورت فزون‌کنشی، پرخاشگری، تضادورزی، نقض قواعد و قوانین اجتماعی ظاهر می‌شود (آخنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). رفتارهای برونی شده دانش‌آموزان به‌عنوان الگوهای رفتار عمدی و تحت کنترل که پایدار بوده و گرایش به ایذایی و اغتشاش‌گری برای دیگران دارد، تعریف می‌شود (زی، جونگ و کومن^۴، ۲۰۱۷). دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری به‌طور معنی‌داری، مستعد نشان دادن سطوح بالاتری از رفتارهای برونی‌سازی مثل پرخاشگری، مشاجره با دیگران و ناکامی هستند. این دانش‌آموزان اغلب فرصت کمتری دارند که به‌طور ویژه در فعالیت‌های کلاسی شرکت کنند، رفتار کلاسی مناسبی داشته باشند و شکلی از دوستی با هم‌تایان را نشان دهند (ویدن، ویلز، کوتوتیز و کامپس^۵، ۲۰۱۶)؛ بنابراین، دانش‌آموزان با اختلالات رفتاری، پیشرفت تحصیلی پایین و رفتار ناسازگارانه را تجربه می‌کنند و مشکلاتی در ایجاد و نگهداری روابط بین فردی دارند. آن‌ها در کلاس بیشتر شکست می‌خورند و اعمال تنبیهی مثل محرومیت و اخراج را بیشتر تجربه می‌کنند. آن‌ها نسبت به دیگر گروه‌های دانش‌آموزان با ناتوانی بیشتر از مدرسه حذف می‌شوند (کوک، رانو و کالینز^۶، ۲۰۱۷؛ مازوتیم، وود، تست و فاولر^۷، ۲۰۱۲). محققان سایر پیامدهای منفی ناشی از مشکلات رفتاری را مواردی مانند نقش میانجی‌گر بودن بین سوءاستفاده کردن، غفلت و سازگاری در مدرسه (اه و سانگ^۸، ۲۰۱۸) شکست تحصیلی، بزهکاری، مشکلات اشتغال، سوءاستفاده جنسی و فعالیت‌های کیفی بزرگ‌سالی (لامبروس، کالور، آنگولو و هومر^۹، ۲۰۱۷)، بیکاری، زندانی شدن، مسئله سلامت روانی و حمایت اجتماعی پایین در مراحل بعدی زندگی (ساترلند، لوئیس-پالمر، استیچر و مورگان^{۱۰}، ۲۰۰۸) ذکر کرده‌اند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که نشانه‌های برونی شده پایداری قابل توجهی طی زمان دارد و در طول تحول به شکل‌های مختلف بروز می‌کند.

یکی از مشکلات کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده، مهارت‌های اجتماعی ضعیف می‌باشد. مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان مهارت‌های لازم برای تطبیق با نیازهای اجتماعی و حفظ روابط بین‌فردی رضایت‌بخش در نظر گرفته می‌شود که موانع روابط اجتماعی مثبت و عملکرد اجتماعی آموخته‌شده را برطرف نموده و می‌تواند به عملکرد مؤثر و مفید کمک نماید (ماتسون و ماتسون^{۱۱}،

1. Achenbach & Rescorla

2. Internalizing disorder

3. Externalizing disorder

4. Zee, Jong & Koomen

5. Weeden, Wills, Kottowitz & Kamps

6. Cook, Rao & Collins

7. Mazzotti, Wood, Test & Fowler

8. Oh & Song

9. Lambros, culver, Angulo & Hosmer

10. Sutherland, Lewis-Palmer, Stichter & Morgan

11. Matson & Matson

۲۰۱۳). این مهارت‌ها عبارت است از رفتارهای انطباقی فراگرفته شده که فرد را قادر می‌سازد با افراد مختلف روابط متقابل داشته باشد، واکنش‌های مثبت بروز دهد و از رفتارهای دارای پیامد منفی اجتناب نماید (انتصار فومنی و کابینی مقدم، ۱۳۹۵). افراد برخوردار از مهارت‌های اجتماعی این توانمندی را دارند که می‌توانند با دیگران به گونه‌ای رفتار نمایند که به حقوق، الزامات، رضایت خاطر و انجام وظایف خود در حد معقولی نائل آیند و حقوق، الزامات، رضایت خاطر و وظایف دیگران را نیز نادیده نگیرند (هارجی، ساندرس و دیکسون^۱، ۲۰۱۳).

یکی از عناصری که در خانواده ممکن است مشکلات کودک با اختلال رفتاری برونی شده را تشدید نماید، مساله فراهیجان^۲ در اعضای خانواده است. سازه فراهیجان و تأکید آن بر نقش تفکرات و احساسات والدین درباره هیجانان، در فرآیند فرزندپروری مورد استقبال محققان قرار گرفته است. منظور از فراهیجان، هیجاناتی است که در پاسخ به هیجانان دیگر (برای مثال احساس گناه در مورد خشم) رخ می‌دهند (هارادوالا^۳، ۲۰۱۶). فراهیجان به واکنش‌های هیجانی شخص نسبت به هیجانان خودش گفته می‌شود. فراهیجان می‌تواند به عنوان زیرمجموعه‌ای از هیجانان ثانویه درک شود، یک هیجان ثانویه مثل اضطرابی که به دنبال یک هیجان اولیه مانند خشم می‌آید (گرینبرگ^۴، ۲۰۰۲). گاتمن، کاتز و هوون^۵ (۱۹۹۶) معتقدند یک مؤلفه مهم از اجتماعی شدن، شامل دیدگاه فلسفی والدین درباره هیجان یا همان مقوله‌ای است که والدین آن را «فلسفه فراهیجانی^۶» می‌نامند. به طور اخص، برخی از والدین تجربیات کودک از هیجان‌ها و ابراز هیجان‌ها (مانند خشم، غم، یا اضطراب) توسط وی را نوعی رویداد منفی قلمداد می‌کنند که باید از آن اجتناب کرد. این دیدگاه‌های هیجانی منفی، در تعاملات والدین به دیگران منتقل می‌شوند، مانند آن‌که والد مربوطه نسبت به هیجان‌های کودک بی‌اعتنا خواهد بود یا از آن‌ها انتقاد خواهد کرد و یا طاقت خود را در اثر آن‌ها از دست خواهد داد (لی هی، تیرچ، ناپولیتانو^۷، ۲۰۰۹؛ ترجمه منصوری‌راد، ۱۳۹۳).

با وجود این که پژوهش‌هایی درباره فراهیجان انجام شده اما پژوهشی در زمینه تعیین اثربخشی آن بر مهارت‌های اجتماعی در کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده یافت نشد. برای مثال کاکس، سالووی و استرود^۸ (۱۹۹۹) نشان دادند که پذیرش و هدایت عواطف و هیجان‌ها توسط والدین، فرزندان را در مدیریت هیجان و برخورد مناسب با دیگران و احساس شایستگی یاری می‌کند. کاتز^۹ (۲۰۰۴) معتقد است که دیدگاه فراهیجانی به عنوان یک متغیر محافظت‌کننده از کودکان، در برابر اثرات زیان‌بار موقعیت‌های غیرقابل تحمل عمل می‌کند و منجر به روابط بهتری بین همسالان می‌شود. رمسدن و هوبارد^{۱۰} (۲۰۰۲) ضمن پژوهشی درباره نقش ابراز هیجان در خودتنظیمی هیجانی و پذیرش هیجانی به این نتیجه رسیدند که سطح بالای ابراز هیجانان منفی در مادران، با سطح

1. Hargie, Saunders & Dickson

2. Meta-emotion

3. Haradhvala

4. Greenberg

5. Gottman, Katz & Hooven

6. Meta Emotion Philosophy

7. Leahy, Teerch & Napolitano

8. Kaks, Salovey & Stroud

9. Katz

10. Remsden & Hubbard

پایینی از پذیرش هیجانی فرزندان و خودتنظیمی هیجانی در کودکان بستگی دارد. لیهای^۱ (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید که افرادی که دیدگاه منفی در مورد هیجانات داشتند، دارای مشکلات بیشتری در برخورد با مسائل زندگی خود بودند و از روش های خطرآفرین بیشتری برای کنترل محیط خویش استفاده می کردند. کاتز و هانتز^۲ (۲۰۰۷) ضمن پژوهشی درباره نقش آگاهی هیجانی مادران در افسردگی و هوش عاطفی فرزندان دریافتند که مادرانی که پذیرش بالایی دارند، دارای فرزندان بودند که نشانه های کمتری از شیوع افسردگی نشان دادند و نمره بالاتری در هوش عاطفی به دست آوردند و همچنین سازگاری بهتری را نشان دادند. هالبرت و لوزادا^۳ (۲۰۱۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که فراهیجان والدین علاوه بر این که می تواند بر تاب آوری مؤثر باشد پیش بینی کننده هوش هیجانی نیز می باشد. کاتز، مالکین و استلر^۴ (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ابعاد فراهیجانی والدین و تاب آوری فرزندان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که فراهیجان، احساسات والدین را با فرزندان همسو می کند و حمایت و درک بهتری را برای فرزندان در زمان های خشم و غمگینی و ناکامی فراهم می آورد. براجسا- زیگانک^۵ (۲۰۱۳) نشان دادند که آگاهی فراهیجانی والدین از طریق کاهش عاطفه منفی به طور غیرمستقیم منجر به کاهش مشکلات رفتاری برون ریزی شده (همانند پرخاشگری) در کودکان می شود. در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد دیدگاه فراهیجانی والدین نقش بسزایی در ایجاد رفتارهای جامعه پسند دارد. استیت و ترنز^۶ (۲۰۱۴) ضمن پژوهشی درباره نقش والدین در شکل گیری هیجان و آگاهی بخشی والدین در موقعیت های هیجانی نشان دادند که والدین با آموزش هایی که در حیطه هیجان ها به فرزندان خود می دهند، احساس شایستگی را در فرزندان بالا می برند و فرزندان در مواجهه با موانع و استرس های بیرونی، احساس کارآمدی بیشتری را تجربه خواهند کرد که این امر به تاب آوری آنان کمک می نماید. هورل، هووینگ و هادسون^۷ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی فلسفه فراهیجانی والدین و هدایت گری هیجانی در خانواده ها روی کودکان مبتلا به اختلالات اضطرابی پرداختند و نشان دادند که دانش آموزان مبتلا به اختلالات اضطرابی با والدینی که دارای سبک های فراهیجانی هستند، از هدایت گری احساسات بهتری برخوردار هستند.

با توجه به آسیبزا بودن و شیوع بالای مشکلات رفتاری برون شده و نقص در مهارت های اجتماعی در این گروه از کودکان، نقش خانواده به عنوان یکی از علل مهم در پیدایش و تداوم این مشکلات و نقش و اهمیت دیدگاه فراهیجانی در تعامل با کودک و تأکید آن بر نقش تفکرات و احساسات والدین درباره هیجانات و همچنین با عنایت به نبودن پژوهش در زمینه اثربخشی مدل فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برون شده، این پژوهش باهدف بررسی اثربخشی مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت های اجتماعی کودکان دارای مشکلات رفتاری برون شده دوره ابتدایی شهر اصفهان انجام شد.

1. Lee Hi

2. Hunter

3. Holbert & Lozada

4. Maliken & Stetler

5. Brajsa-Zganec

6. Stets & Turner

7. Hurrell, Houwing & Hudson

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی به صورت پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش را کلیه کودکان دختر و پسر ۷-۱۰ سال دارای مشکلات رفتاری برونی شده تشکیل داد که در مدارس ابتدایی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش برای انتخاب شرکت کنندگان از روش نمونه گیری چندمرحله ای خوشه ای تصادفی استفاده شد. در مرحله اول از فهرست مدارس دولتی دخترانه و پسرانه، ۴ مدرسه به طور تصادفی انتخاب شدند. در مرحله دوم با توجه به مدارس انتخاب شده، در هر مدرسه کلاس های اول تا چهارم از لحاظ ویژگی های مورد تحقیق بررسی شدند. به منظور انتخاب دانش آموزان مبتلا به مشکلات رفتاری برونی شده از والدین این دانش آموزان خواسته شد پرسشنامه مشکلات رفتاری آخنباخ را تکمیل کنند. پس از نمره گذاری پرسشنامه های تکمیل شده، در نهایت ۳۰ (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) دانش آموز که نمره مقیاس برونی سازی شده آن ها در فهرست رفتاری کودکان بالای خط برش ($T > 63$) بود و بالاترین نمره را در این مقیاس کسب کرده بودند، والدین این دانش آموزان رضایت آگاهانه برای شرکت در جلسات درمانی داشتند و به صورت همزمان خدمات مشاوره، روان درمانی و روان پزشکی دیگری دریافت نمی کردند، به عنوان نمونه نهایی انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. پس از سازمان دهی نهایی، برای والدین دانش آموزان گروه آزمایشی، جلسه های آموزشی ظرف مدت ۶ هفته (هر هفته یک جلسه یک و نیم ساعته) در یکی از مدارس، طبق برنامه زمان بندی شده برگزار شد. در حالی که گروه کنترل هیچ گونه آموزشی دریافت نکرد. در همه مراحل ملاحظات اخلاقی برای هر دو گروه رعایت شد و به گروه کنترل اعلام شد که در پایان جلسات مداخله ای، آن ها نیز می توانند همانند گروه مداخله، برنامه آموزشی را دریافت کنند.

در پژوهش حاضر از ابزارهای زیر استفاده شد:

فرم فهرست رفتاری کودکان^۱: در این پژوهش نشانه ها و مشکلات برونی شده دانش آموزان بر اساس تکمیل فهرست رفتاری کودکان از نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ و رسکورلا (۲۰۰۱) تعیین شد. در این فهرست رفتاری از مجموع نمره های زیرمقیاس های اضطراب/افسردگی، انزوا/افسردگی و شکایت های جسمانی مقیاس مشکلات درونی شده و از مجموع نمره های زیرمقیاس های رفتار قانون شکنی و رفتار پرخاشگرانه مقیاس مشکلات رفتار برونی شده به دست می آید و در مجموع نمره های سایر زیر مقیاس ها معرف قلمروهای دیگر مشکلات کودکان هستند. در پژوهش حاضر تنها از مقیاس مشکلات برونی شده این فهرست استفاده شد. این ابزار در ایران نیز توسط مینایی (۱۳۸۴) هنجاریابی شده است و همسانی درونی، همبستگی های مربوط به توافق متقابل بین پاسخ دهندگان، روایی ملاکی و سازه و قدرت تمایز گذاری بین گروه بالینی و بهنجار در حد رضایت بخش گزارش شده است. همچنین نقاط برش برای مشکلات درونی شده و برونی شده و مشکلات کلی با آنچه توسط آخنباخ و رسکورلا محاسبه شده بود، برابر بوده است. در این پژوهش، ضریب همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ در نمونه ۴۵ نفری

¹. Child Behavior Check List

برای مقیاس برونی شده برابر با ۰/۸۳ و برای زیرمقیاس های رفتار پرخاشگرانه و نادیده گرفتن قواعد به ترتیب برابر با ۰/۷۹ و ۰/۶۱ به دست آمد.

پرسشنامه مهارت اجتماعی ماتسون: مقیاس سنجش مهارت های اجتماعی ماتسون فرم کودکان را ماتسون و همکارانش در سال ۱۹۸۳ برای سنجش مهارت های اجتماعی افراد ۴ تا ۱۸ ساله تدوین کرده اند. این مقیاس بر اساس شاخص ۵ درجه ای از نوع مقیاس لیکرت با دامنه ای از ۱ (هرگز) و ۵ (همیشه) نمره گذاری شده است. این مقیاس شامل ۵۶ عبارت است که عوامل زیر را می سنجد (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱).

- مهارت های اجتماعی مناسب: رفتارهای اجتماعی مناسب، از قبیل داشتن ارتباط دیداری با دیگران، مودب بودن، به کار بردن نام دیگران و اشتیاق به تعامل با دیگران به طریقی مفید و مؤثر را در برمی گیرد.
 - رفتارهای اجتماعی نامناسب: رفتارهایی مانند دروغ گفتن، کتک کاری، خرده گرفتن بر دیگران، ایجاد صداهای ناهنجار و ناراحت کننده و زیر قول خود زدن را در برمی گیرد.
 - پرخاشگری و رفتارهای تکانشی: رفتارهایی مانند به آسانی عصبانی شدن، یک دنده و لج بازی، دعوا و مرافع به راه انداختن، قلدری و کتک کاری را در برمی گیرد.
 - برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود: رفتارهایی در مورد به خود نازیدن و به دیگران پز دادن، تظاهر به دانستن همه چیز و خود را برتر از دیگران دیدن را در برمی گیرد.
 - رابطه با همسالان: شامل تنهایی، حسادت، دوستی و بازی با بچه های دیگر است.
- هدف اصلی پرسشنامه مهارت های اجتماعی ماتسون، سنجش مهارت های اجتماعی از ابعاد مختلف (مهارت های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن، رابطه با همسالان) است. در ایران مقیاس مهارت های اجتماعی ماتسون را یوسفی و خیر (۱۳۸۱) بر روی ۵۶۲ نفر دانش آموز دختر و پسر شیراز مورد بررسی قرار داده اند که روایی آن را مطلوب و مناسب و همچنین پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ و دونیمه کردن ۰/۸۶ گزارش شده است (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱).

مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن: خلاصه جلسات مداخله در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه جلسات مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن

ردیف	جلسه	محتوای جلسه
۱	جلسه اول	ارتباط و آشنایی با والدین، معرفی برنامه‌ها و اهداف آموزشی، آشنایی والدین با مفهوم فلسفه فراهیجانی، آشنایی والدین با تأثیر و اهمیت هیجان‌ها در رابطه با فرزندان.
۲	جلسه دوم	شناخت هیجان و موقعیت‌های برانگیزاننده و اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت هیجان‌ها، توضیح و تبیین انواع هیجان‌ها، شناخت هیجان‌ها مختلف
۳	جلسه سوم	شناخت و آموزش آگاهی هیجانی، آموزش نحوه‌ی آگاهی از هیجان‌ها خود و هیجان‌ها فرزندان، آگاهی از تغییرات در چهره، زبان بدن و تن صدا، درک و فهم این نکته که هیجان‌ها یک قسمت طبیعی و البته ارزشمند زندگی هستند.
۴	جلسه چهارم	شناخت و آموزش هدایت‌گری هیجانی، متقاعد کردن والدین در راستای ابراز مناسب و مثبت هیجان‌ها فرزندان، آموزش فن‌های هدایت‌گری هیجانی
۵	جلسه پنجم	آشنایی شرکت‌کنندگان با سبک‌های فراهیجانی قابل رخداد، آشنایی با مهارت‌های لازم سبک‌های فراهیجانی.
۶	جلسه ششم	بازخوانی و بازنگری مفاهیم کلیدی فلسفه فراهیجانی و کاربست آن در جهت اجرای اهداف.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار نمره‌های گروه آزمایش در مهارت‌های اجتماعی (مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتار تکانش‌گری، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود و رابطه با همسالان) در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمره‌های مهارت‌های اجتماعی

متغیر	مرحله	مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی		کنترل
		میانگین	انحراف معیار	
مهارت‌های اجتماعی مناسب	پیش‌آزمون	۴۸/۴۶	۱۴/۰۲	۱۱/۸۵
	پس‌آزمون	۶۷/۹۳	۵/۴۴	۴۹/۸۰
رفتارهای غیراجتماعی	پیش‌آزمون	۳۵/۷۳	۸/۵۸	۸/۲۸
	پس‌آزمون	۳۲/۶۰	۳/۲۲	۳۴/۶۶
پرخاشگری و رفتار تکانش‌گری	پیش‌آزمون	۴۸/۲۰	۹/۰۱	۹/۹۶
	پس‌آزمون	۳۶/۶۰	۳/۵۲	۴۱/۶۰
برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود	پیش‌آزمون	۲۶/۴۰	۷/۶۲	۵/۶۰
	پس‌آزمون	۱۹/۹۳	۳/۱۵	۱۸/۴۶
رابطه با همسالان	پیش‌آزمون	۲۴/۱۳	۶/۸۲	۵/۳۷
	پس‌آزمون	۳۴/۵۳	۳/۷۵	۲۷/۶۰

همان‌طور که در نتایج جدول ۲ مشاهده می‌شود، نمره‌های گروه آزمایش در مهارت‌های اجتماعی با پس‌آزمون‌ها و گروه کنترل تفاوت بسیاری داشته است. به‌منظور استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس ابتدا به بررسی پیش‌فرض‌های آن از جمله برابری واریانس‌ها پرداخته شد. به‌منظور بررسی فرض برابری واریانس‌ها از آزمون لوین (Levene's test) استفاده گردید. نتایج این آزمون برای متغیر مهارت‌های اجتماعی مناسب ($F=0/217, p=0/645$)، متغیر رفتارهای غیراجتماعی ($F=0/001, p=0/980$)، متغیر پرخاشگری

و رفتار تکانشی ($F=0/116, p=0/736$)، برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود ($F=0/914, p=0/347$) و رابطه با همسالان ($0/218, p=1/591$) نشان داد که فرض برابری واریانس ها پذیرفته می شود. نتایج لامبدای ویلکز (Wilk's Lambda test) نشان داد مقدار F محاسبه شده ($F=58/608, p=0/001$) معنی دار است؛ به عبارت دیگر مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر روی متغیر وابسته اثربخش است. اندازه اثر نشان می دهد که اثربخشی آموزش بر روی متغیر وابسته ۶۹ درصد بوده است.

جدول ۳. خلاصه نتایج آزمون تحلیل کوواریانس در مرحله پس آزمون

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	حجم اثر
مهارت های اجتماعی مناسب		۲۸۹۴/۶۰۱	۱	۲۸۹۴/۶۰۱	۶۵/۵۲۴	۰/۰۰۱	۰/۷۰۸
رفتارهای غیراجتماعی		۸۳۹/۷۹۳	۱	۸۳۹/۷۹۳	۵۵/۶۳۸	۰/۰۰۱	۰/۶۷۳
عضویت گروهی	پرخاشگری و رفتار تکانشی	۶۹۷/۲۶۰	۱	۶۹۷/۲۶۰	۴۰/۹۷۴	۰/۰۰۱	۰/۶۰۳
	برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود	۴۰۴/۹۳۹	۱	۴۰۴/۹۳۹	۴۸/۱۳۲	۰/۰۰۱	۰/۶۴۱
	رابطه با همسالان	۵۰۴/۵۹۵	۱	۵۰۴/۵۹۵	۳۷/۱۹۴	۰/۰۰۱	۰/۵۷۹
	کل	۲۲۷۶۴/۱۸۳	۱	۲۲۷۶۴/۱۸۳	۸۹/۳۹۱	۰/۰۰۱	۰/۷۶۸

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که بین گروه های آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون به لحاظ مهارت های اجتماعی مناسب ($F=65/52, p=0/001$)، رفتارهای غیراجتماعی ($F=55/63, p=0/001$)، پرخاشگری و رفتار تکانشی ($F=40/97, p=0/001$)، برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود ($F=48/13, p=0/001$) و رابطه با همسالان ($F=37/19, p=0/001$) تفاوت معنی داری وجود دارد ($p<0/05$)؛ به عبارت دیگر، مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده مؤثر است و میزان این تأثیر در متغیرهای مهارت های اجتماعی مناسب ۷۰ درصد، رفتارهای غیراجتماعی ۶۷ درصد، پرخاشگری و رفتار تکانشی ۶۰ درصد، برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود ۶۴ درصد و رابطه با همسالان ۵۷ درصد می باشد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی اثربخشی مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده انجام گرفت. نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که این روش تأثیر معناداری بر مهارت های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده دارد. این یافته می تواند برای والدین و متخصصان نکات تربیتی مهمی را در برداشته باشد. درواقع دیدگاه فراهیجانی والدین به عنوان یک متغیر محافظت کننده از کودکان، در برابر اثرات زیان بار موقعیت های غیرقابل تحمل عمل می کند و منجر به روابط بهتری بین همسالان می شود، همچنین والدین را متوجه اهمیت عواطف در زندگی خود و فرزندان می کند. والدین و متخصصان با آگاه شدن از نقش عواطف می توانند زمینه های لازم را برای آگاهی فرزندان و پذیرش عواطف خود فراهم نمایند و والدین متوجه نیاز کودکان به الگویی برای عمل شوند. اگرچه یافته پژوهشی که به طور مستقیم با یافته های پژوهش حاضر همسان باشد، مشاهده نگردید اما به طور غیرمستقیم این نتایج همسو با پژوهش کاتز (۲۰۰۴)، رمسدن و هوبارد (۲۰۰۲)، کاتز

و هانتز (۲۰۰۷)، استیت و ترنر (۲۰۱۴) و هورل و همکاران (۲۰۱۷) مبنی بر نقش فلسفه فراهیجانی در پرورش فرزندان و کارایی این مداخله است. در تبیین یافته‌های این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های والدین کودکان دبستانی به‌ویژه کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده، آینده اجتماعی است. چراکه والدین این کودکان در جریان فعالیت‌های روزانه و یا بازی با کودکان بیشتر از سایر والدین با ضعف در مهارت‌های اجتماعی مواجه شده و در نتیجه این نگرانی‌ها برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی، بیش‌ازپیش مصمم شده و تلاش می‌کنند تا مهارت‌های فرزندان را در این دو حیطه ارتقا بخشند تا شاهد موفقیت‌های آینده‌ی وی در سال‌های روبه‌رو باشند. تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده، برقراری ارتباط به نحو مناسب و شایسته با دیگران را در برمی‌گیرد که در نتیجه تعامل شخص با محیط، منجر به کاهش رفتارهای غیراجتماعی و پرخاشگرانه می‌شود. دیدگاه فراهیجانی والدین عواطف فرزندان را به رسمیت می‌شناسد و ابراز عواطف در فرزندان را به فرصتی برای آموزش تبدیل می‌کند. این والدین به دلیل دید مثبتی که به عواطف دارند، کمک می‌کنند که فرزندان نیز قادر به درک و کنترل عواطف باشند؛ همچنین آنان به دلیل القای پذیرش به فرزندان می‌توانند آنان را نسبت به زندگی خوش‌بین بار آورند و همچنین برقراری روابط اجتماعی برایشان آسان شود. ایولینی کو^۱ (۲۰۰۶) اظهار می‌دارد که والدین هدایت‌گر از یک‌سو به فرزندان اهمیت عواطف را در زندگی آموزش می‌دهند و از سوی دیگر با تعیین حدود مرزها، الگویی روشن از چگونگی رفتار کردن را در اختیار فرزندان می‌گذارند. آنان با آموزش‌ها و هدایت‌های لازم، برای فرزندان برقراری ارتباطات اجتماعی را آسان می‌کنند. این فرزندان سازگاری بالایی دارند و از رفتار اجتماعی قابل قبولی برخوردارند که این مهارت‌ها از ابعاد مهم مهارت‌های اجتماعی می‌باشد. گاتمن، کاتز و هوون (۱۹۹۷) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که دیدگاه فراهیجانی والدین به فرزندان احساس متفاوتی از عزت‌نفس، خودکارآمدی و توانایی ایجاد روابط دوستی القا می‌کند، بدین گونه که والدین با پذیرش فرزندان و فراهم کردن الگو، آنان را برای عمل مجهز می‌کنند.

لازم به ذکر است که برخی از محدودیت‌های روش‌شناختی پژوهش حاضر، تعمیم‌پذیری نتایج آن را با محدودیت مواجه می‌کند. از جمله مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر را کودکان ۱۰-۷ سال دارای مشکلات رفتاری برونی شده شهر اصفهان تشکیل داده‌اند، بنابراین تعمیم‌پذیری نتایج به نمونه‌های دیگر باید با احتیاط انجام پذیرد. محدودیت دیگر پژوهش حاضر، انجام آن به صورت مقطعی است؛ بنابراین توصیه می‌شود بررسی طولی وضعیت مهارت‌های اجتماعی این کودکان با گذشت زمان انجام شود. مطالعه حاضر شواهد اولیه‌ای را فراهم می‌کند مبنی بر این که مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن ممکن است فراتر از بهبود مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان هدف مستقیم مداخله، پیامدهای درمانی غیرمستقیم و ثانویه‌ای در بین کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده داشته باشد. این نتایج هرچند مقدماتی هستند، لیکن بسیار ترغیب‌کننده‌اند. با توجه به تأثیر مهارت‌های اجتماعی بر عملکرد روزانه و زندگی اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده، مداخله‌هایی که بتواند این مشکل را در سنین پایین‌تر به‌خوبی نشانه بگیرد برای به حداکثر رساندن نتیجه درمان طولانی مدت ضرورت دارند. پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی به مقایسه

¹. Evelyne

اثربخشی درمان های دیگر با بسته آموزشی والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی در بهبود مهارت های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده؛ اجرای این روش در جوامع دیگر کودکان با نیازهای خاص؛ شناسایی سایر عوامل میانجی احتمالی به منظور فراهم کردن مداخلات کارآمدتر برای کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده؛ بررسی ارتباط فلسفه فراهیجانی با متغیرهای روان شناختی دیگر نظیر عملکرد تحصیلی و تاب آوری پردازند. تحقیقات آتی می تواند به پژوهش هایی بپردازد که تنها دیدگاه فراهیجانی یکی از والدین را بررسی کرده باشد. بررسی تغییرات دیدگاه فراهیجانی والدین در دوران مختلف رشد فرزندان از دیگر پیشنهادات این پژوهش می باشد.

منابع

- انتصار فومنی، غلام حسین و کابینی مقدم، سلیمان (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر سازگاری اجتماعی و تکانش گری در بین دختران ساکن خانه های شبانه روزی. پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران: مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، موسسه آموزش عالی مهر اروند.
- لی هی، رابرت ال؛ تیرج، دنیس و ناپولیتانو، لیزا. (۱۳۹۳). تکنیک های تنظیم هیجان در روان درمانی (راهنمای کاربردی). ترجمه عبدالرضا منصوری راد. تهران: انتشارات ارجمند.
- مینایی، اصغر. (۱۳۸۴). کتابچه راهنمای فرم های سن مدرسه نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی کشور.
- یوسفی، فریده و خیر، محمد. (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت های اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران در این مقیاس. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲، ۱۴۷-۱۵۸.
- Achenbach, T.M., & Rescorla, L.A. (2001). ASEBA school age forms profiles. Burlington: University of Vermont, research center for children, youth & families.
- Brajsa-Zganec, A. (2013). Emotional Life of the Family: Parental Meta-Emotion, Children's Temperament and Internalizing and Externalizing Problems. 23, 25-45.
- Cook, S. C., Rao, K., & Collins, L. (2017). Self-monitoring interventions for students with EBD: Applying UDL to a research-based practice. *Beyond Behavior*, 6(1), 19-27.
- Evelyne, K. c. (2006). Meta-emotion Philosophy, emotional intelligence and relationship to adolescent emotional intelligence. Swinburne University of Technology, Australia: Master's thesis.
- Gottman, J. M., Katz, L. F., & hooven, C. (1997). Meta emotion: How families communicate emotionally. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Greenberg, L. (2002). Emotion Focused Therapy. Coaching Clients Through Their Feelings. *American psychological association*, 43, 124-167.
- Haradhvala, N. (2016). Meta-emotions in daily life. associations with emotional awareness and depression (Master thesis), Washington University.
- Hargie, O., Saunders, C., & Dickson, D. (2013). Social skills in Interpersonal Communication. Translated by: Kh. Beigi & M. Firoozbakht. Tehran: Roshd.
- Holbert, R., & Lozada, O.G. (2011). The Role of Meta-emotion in the Resilience and Emotional Intelligence of children and Adolescence. Metropolitan University, London. Unpublished Dissertation.

- Hurrell, K. E., Houwing, F. L., & Hudson, J. L. (2017). Parental Meta-Emotion Philosophy and Emotion in Families of children and Adolescents with an Anxiety Disorder. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 45, 569-582.
- Kaks, J. L., Salovey, P., & Stroud, L.R. (1999). Effectiveness of Accepting and Emotion Coaching on Emotional Management of Children with Conduct problems. *Psychology and Health*, 17,611-627.
- Katz, L. F. (2004). Parental meta- emotion philosophy in families with conduct-problem children: link with peer relations. *Journal of abnormal child psychology*, 32 (4), 385-39.
- Katz, L. F., & Hunuter, D. F. (2007). The Role of Emotional Awareness of Mothers in Depression and Emotional Intelligence of Children. University of Missouri-Kansas City: PHD dissertation.
- Katz, L. F., Maliken, A. C., & Stetler, N. M. (2012). Relationship between Meta-emotion Dimensions parental and Children's Resilience. *Child Developmental Perspectives*, 6, 417-422.
- Lambros, K. M., culver, S. K., Angulo, A., & Hosmer, P. (2007). Mental health intervention teams: A collaborative model to promote positive behavioral support for youth with emotional or behavioral disorders. *The California School Psychologist*, 12, 59-71.
- Lee Hi, S. A. (2006). Relationship between Parental Meta-emotion Perception and Methods of Control and Dealing with Social Environment. *International Journal of Adolescence and youth*, 14, 354-367.
- Matson, J.L., Matson, K. (2013). Evaluation of social skills with youngsters. Manual, Worthington, OH, *International Diagnostic System*, 20-115.
- Mazzotti, V., Wood, C., Test, D., & Fowler, C. (2012). Effects of computer-assisted instruction on Students knowledge of self-determined learning model of instruction and disruptive behavior. *The journal of special education*, 45(4), 216-226.
- Oh, I., Song, J. (2018). Mediating effect of emotional/behavioral problems and academic competence between parental abuse/neglect and school adjustment. *Child Abuse and neglect*, 86, 393-402.
- Ramsden, J. K., & Hubbard, L. F. (2002). The role of Excitement Emotional in Emotional Regulation and emotional Acceptance. *Emotion Review*, 3, 158-168.
- Stets, J. E., & Turner, J. H. (2014). The Role of Parents in Shaping the Emotions and Parental's Awareness in Emotional Situations. *Handbook of the Sociology of Emotion: Volume II*. New York, NY: Springer.
- Sutherland, K. S., Lewis-Palmer, T., Stichter, J., & Morgan, P. T. (2008). Examining the influence of teaching behavioral and classroom context on the behavioral disoeders. *The Journal of Special education*, 41(4), 223-233.
- Weeden, m., Wills, H. P., Kottwitz, E., & kamps, D. (2016). The effects of a class-wide behavior intervention foe students with emotional and behavioral disorders. *Behavioral Disorders*, 42 (1), 285-293.
- Zee, M., Jong, P. F. D., & Koomen, H. M. Y. (2017). From externalizing student behavior to student-specific teacher self-efficacy: The role of teacher-perceived conflict and closeness in the student-teacher relationship. *Contemporary Educational Psychology*, 51, 37-50.

Effectiveness of Parent- centered Intervention Based on Gottman's Meta- Emotional Philosophy on Social Skills in Children with Externalizing Behavioral Problems

Abstract

present study aimed to investigate the effectiveness of Parent- centered Intervention Based on Gottman's Meta- Emotional Philosophy on Social Skills in Children with Externalizing Behavioral Problems. The research design was quasi-experimental with pretest and posttest with control group. The study population included all children 7-10 years with Externalizing Behavioral Problems in Isfahan. The sample included 30 students with Externalizing Behavioral Problems selected through multiple random cluster sampling and divided into experimental and control group. The experimental group participated in a 6 session's intervention. Child Behavior Check List and Matson Social Skill Questionnaire were used for data collection. The mean of posttest was a significant difference between the experimental and control groups ($P < 0/05$) and this indicates the positive effect of parent-centered intervention. This study clarified role and importance of parental meta-emotional viewpoint and it has shown parent-centered intervention based on meta-emotional philosophy improves the social skills of children with externalizing Behavioral Problems.

Keywords: Parent-centered Intervention, Meta-Emotional Philosophy, Children, Externalizing Behavioral Problems.